



ایرج افشار

تمثیلات ۱۲۷۶ و مردم‌گریز ۱۲۸۶



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چون فصلنامه تئاتر توجهی درخور سزاواری به گردآوری اسناد و مدارک مربوط به تاریخ تئاتر و نمایشنامه نویسی دارد، این یادداشت، که حاوی دو آگاهی است و جنبه استنادی دارد برای چاپ تقدیم می‌شود

۱

آخوندزاده* مصنف «تمثیلات» (به ترکی) يك نسخه از کتاب خود را که در سال ۱۲۷۶ در شهر تفلیس چاپ شده بود به فرهاد میرزا معتمدالدوله هدیه می‌فرستد و بر روی ورقه‌ای که بر پشت جلد کتاب می‌چسباند این عبارت را می‌نویسد:

«بنواب اشرف ارفع فرهاد میرزا از مصنف کتاب میرزا فتحعلی آخوندزاده هدیه است».

آخوندزاده در نوشته‌ای دیگر که به خط خویش بر صفحه دوم پشت جلد الحاق کرده است توجه فرهاد میرزا را به جنبه‌های اخلاقی نمایشنامه‌ها جلب می‌کند و متذکر می‌شود که درین گونه تصنیف تازگیها هست کسه در میان نویسندگان ممالک اسلامی مرسوم نبوده است. اگرچه عکس خط او که

* باید توجه داشت که نام او اگرچه میان ما به آخوندزاده شهرت گرفته است، در نوشته‌های خودش، اعم از چاپی و دستخط «آخوندزاده» است.

یادگیری است از آن نویسنده درینجا چاپ می‌شود و کاملاً خواناست نص عبارتش را هم می‌آورم و آن این است:

این نوع تصنیف غریب که ظاهرش بامزه و خوش‌آیند است و باطنش کلاً متضمن موعظه و نصیحت، در میان ملت اسلام معروف نبود. من بانی این کار شدم. نباید که بعضی اشخاص توضیحات مرا درین تصنیف که بطریق استهزا نسبت پیارهٔ اطوار و اخلاق ذمیمهٔ اهل اسلام وقوع یافته است حمل بر عدم تعصب و عدم حب ملت بکنند. زیرا که ازین توضیحات غرض تنبیه است بر دیگران که از اخلاق ذمیمه احتراز نمایند. چنانکه حکیم روشن روان شیخ سعدی در گلستان خود از زبان لقمان اشاره باینمعنی فرموده است: لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی‌ادبان. هرچه ازیشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن پرهیز کردم.

میرزا فتحعلی آخوندزاده*

به‌مناسبت فرصتی که پیش آمده است چون قسمتهایی از مقدمهٔ ترکی مصنف در ترجمهٔ فارسی قراجه‌داغی نیست، عکس آن صفحات هم چاپ می‌شود تا اگر آقای علیرضا حیدری

* باید بگویم که من این نوشته آخوندزاده را در سال چهارم اطلاعات ماهانه (۱۳۳۰) شمارهٔ دوم چاپ کرده‌ام و از آنجا به کتاب «ادبیات نمایشی در ایران» نوشتهٔ آقای جمشید ملک‌پور، بی‌آنکه از منبع اصلی نام رفته باشد نقل شده است در حالی که ایشان در صفحه ۱۸۶، جلد اول همان کتاب متذکر اشتباه من در همان مقاله (منتسب کردن نمایشنامهٔ میرزا آقا تبریزی به ملکم خان) شده‌اند. ایشان فقط عکس این یادداشت مطول آخوندزاده را نقل کرده‌اند و بالای آن به اشتباه نوشته‌اند «کتاب تمثیلات» و اهدای آن به شاهزاده فرهاد میرزا به خط آخوندزاده و اهدانامه آن عبارت دیگرست که عکس آن را نیاورده‌اند.

این نوع قسوف غریب که ظاهرش با نزه و خوش
 دید است و باطنش کلام متضمن موعظه و نصیحت
 در میان ملت اسلام معروف نبود منی با این کار
 شدم نباید که بعضی اشخاص توضیحات مرادری
 تصنف که بطریق استهزا نسبت بیچاره اطوار
 و اخلاق زوئیه اهل اسلام وقوع یافته است حمل
 بر عدم تعصب و عدم حب ملت بکنند زیرا که این
 توضیحات عرضی تفسیه است بر دیگران که از اخلاق و مذهب
 احترام نمایند چنانکه حکیم روشن روان شیخ سعدی
 در گلستان خود از زبان لقمان اشاره باین
 فرموده است لقمان را گفتند ادب از که آموخت گفت
 از بی ادبان هر چه از ایشان در نظر من ناپسند آمد
 از فعل آن پرمهر بگردم میرزا صفی آخوندزاده

تسمیلات

قاپوتان میرزا فاضلعلی آخونزاده



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تتلیس

سرکار اشری امجد جانشین قاقازک باسه خانه سنده . مطبع اولتوبدر

۱۳۷۶ سنه

ЕГО СІЯТЕЛЬСТВУ,
ГЕНЕРАЛЪ-ФЕЛДМАРШАЛУ
КНЯЗЮ АЛЕКСАНДРУ ИВАНОВИЧУ
БАРЯТИНСКОМУ.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ПОСРЕДСТВОМЪ

ПОСРЕДСТВОМЪ

Мирза-Везир-Али-Ахундовъ.

امیرانہم وسپہسالار اعظم سرکار اشراف وامجد قنبار الکسندر
ایوانوویچ باراطینسکی حصر قریبک اسم شریفند بو تمثیلانی کمال
نظمیلا ہدیہ ایندم

قاپوتان میرزا فتہلی آخونزادہ

سنہ اسلامیہ ۱۲۷۰

فهرست کتاب

انسانک طبیعتنده ایکی عده خاصیت قوبولوبدر بری غم بری فرح
 آغلاماق علامت غمدر کلکک علامت فرح کاهی مصاییک وقوهی
 ومفرحاتک صدوری وکاهی اولارک تقریری ویا تحریری بو ایکی
 حالتنی طبیعت انسانده ظاهر ایدر تقریر و تحریرصورتنده غم وفرحه
 وگریه وخنده یه عده مآثر وضع حکایتدر اکثر اوقات نامرغوب
 و... لا ذکر اولنان مصیبتدن آدم متأثر اولاز لکن همان مصیبت
 اوزکده بسندیده وضع ایله نقل اولدوقده کما یبغی تاثیر باغشلار نجه
 که ناقص وکامل مرثیه خوانلارک مجالسنده بو ایکی کیفیتنی بز
 مکرر مشاهده ایدورک اکثر نقل مصیبت ویا بهجت طبایع و اخلاقی
 بشریه نی کما فی الواقع بیان ایتکیلله طبیعت مستعد مقبل و مآثر دوشدی
 همان تنگ و اضعن و مصنفه حکیم روشن روان و عارف طبایع انسانی دیور
 و ناقل کاملنه سخن کوی قابل فایده نقل مصیبت و بهجت بنی نوع
 بشرک اخلاق و خواصنی بیان ایتکدر که مستمع باخشیلارینه خوشحال
 و عامل ویدانلارندن متأذی و غافل اولا وهم نفس آماره بوکونه حکا
 یاتک استماعنه مشغول اولماقده لذت کوروب معاصی و مناهیدن جلب
 سرور ایتکه میل ایلیمه مالک فرنگمتانده ارباب عقول سلیمه بو امرک
 فایده سنه بو خورد اولوب اعصار قدیمدن هر شهر عظیمده عبارات
 عالیله طیاطر اسیمله برپا ایدوبدرلر که بو عبارنده کاه کیفیت مصیبت
 وکاه کیفیت بهجت بو اسطه تشبیهات اظهار اولتر ملت اسلام آراسنده
 بو زمانه قدر آنجاق نقل مصیبت متداولدر بو اسطه تقریر و تشبیه بو
 هم کمال قصور و نقصانیه یعنی اول مصاییک وضع انشاسی موافق واقع
 و مطابق طبع انسانی عمله کلیوبدر و ثانیاً ناقل لرینه بصیرت اوزره تربیت
 اولمیوب هر کس خودسر بو امره اقدام ایدوب لوازماتندن جاهل و
 شرایطندن غافلدر و ثالثاً بو امر عظیمک اجراسی ایچون ملت اسلام
 آراسنده هرکز تدارکات مهیادکل اوکابناه کیفیت تشبیهات که

دنیا تک الذّ نعتاوردن نویسی درغایت رکاکتده ظهرایدر مثلا بر جزوی ایشد دخی کاشیید حالت منکلمده قاری نظره کلسون چاره جو اولیوبلار وهر شیبه که کزک از بردن موافق اعطلاح مکالمه ایستون ضرورسن که بوروق ککاغذی النا آلوب عبارات غلیظه ایله مواسله اوخوبریله حالتیله شبیهک تقریری نجه طبیعت انسانه مآثر دوشر آمانقل بهجت بواسطه تشبیهات هر کز رسم دکل و بو خصوصده بو حالقدر هیچ بر تصنیف یازا بریدر باوجودیکه نقل بهجتده مواعظ عجیبه و نصابیح غریبه متصنّفدر واکر بو مواعظ و نصابیح بهجت افزا و طرب انگیز و صعیله بیان اولماسا در کز طبیعت خاص و عام اولارک استماعندراغب اولماز بهجت نقایک مجازسی اوقرار یله که فرنگستانده متعارقدر کمال دقت اوله ملاحظه اولمسن خلای حیا و ادب بو شی اونده سکور و نمز چون امیر اعظم و سهسالار اکرم و جانشین اعلیٰ حضرت ایمنراطور افخم سرکار اشرف و امجد قیاز وارر نصوف فرمانفرمای مملکت قفقازیه ۱۲۷۷ سنده شهر نقلسده بو عمارت عالیله طیاطر اسپله برپا ایدوب بالاده مذکور اولان منافع کایه تک وسایل اکستسابنه مخارج کثیره صرف وهر بر اهل علم و عمله بو منافعت انتشارنه تقویت ایتمک ایچون کلّی حمایت و عنایت ظاهر یوردی اهذامن دخی ملت اسلامی بوازه غریبیدی مستحضر ایتمک ایچون بر سیل امتحان آلتی تمثیل بو حکایت تصنیف ایتمم ایندی جمله سنی بر میجدک ایچنده ارباب کماله مروض ایدوب باشقّه منصف لر کی توقع ایتمم که بنک و بدندن اغراض ایستونار بلکه تمام اولدرکه بو علم جدیده مخبر اولوب بقدر قوه خیال امثالنی تصنیف ایتمکه اقدام ایدله لکه اولارک اهتمامندن بو فن عجیب اسلام آراسنده دخی شهرت تابامندن آنجاق اندازه و نموند کوسترمک ایدی و بانوی کار اولباق .

خطاب بر کاتب

چون ترکی دلینک املاعی خصوصنده بوانه قدر بر قاعده کایه مرقوم اولمیوبدر اوکابناه من تمثیلاتک املاسنده اعطلاحی دست آویز ایتمم ومن عقیدم بودر که اهر تکلمده مذکور اولنان الفاظ اصطلاح

خاص و عامده و استعمال عالم و جاهلده مشترک اولدی املاسی حین کتبا بتده صوت متکلمه مطابق یازلسا اولدی در و ککرک ملتفت اولما ماقی کد بو الفاظ فارسیدن ویا عربیدن مأخوذدر و بونلارک املاسی همان دل اولده غیر وضعیه در زبواکده لفظدن عزیز افاده معنی در و ابتدی سنک دلکده همان الفاظ بو اولده موافق متلفظ اولوب افاده معنی ایدروسنک منظورک جمله کلر دخی نه حرج لازم اولوبدر کد اولوی فارسی ویا عربی داینگ املاسند چوورسن کد او خوبانده مستعد غریب و بیکنده کورونر اکبر غرضک اظهار فصلدر بش اون سوزک املاسی اصل وضعه مطابق یازما قیلده فصل ظاهر اولماز فصاحک شروطنی چرخدر کد نایر توقع ایدرم کد سن ده شم کفی آدمی توکی دلنده آدم یازلسا تحدی توخوم جنتی جوت مقیدی مغایبات عورتی آروان قاعده نی فایده و هایلک اورکده الفاظی کد خواص و عوامک استعمالنده مشترکدر فقط خواصه متعلق اولان الفاظ قوی اوز املای اعلیسنده باقی قالمسون نیجه کد تکلمده دخی وضع اعلیسیمه تلفظ اولئر وبعث ایلمه کد دیباچده اوزم نیجه بو قاعده نی مرعی ایتشم اوندن اوتریکه پیش از وقت بو اعلام لازمدر بوندن صکره هر نه یازسام اوز بلدکم کفی بازاجاقام

خطاب بر ناقل

منم عزیزم ناقل کد تشیلاتی اوخویاچاقسن ویا حفظ ابدوب سویلد چکسن ککرکدر بلسن کد بو تشیلات معض عبارتدر نیجه نفر اشخاصک آراسنده واقع اولان کذارشک وضع بیانندن و طرح تشبیهندن بو صوبده سگالازمدر کد هر بر شیبهک حالتنی اونک مکالمه سندن فزق و بروب او خوبانده ویا تقریر ایدنده مستعدی اشتباهه سالیاسن هر شیبهک آدینک آلتنده یازلان سوزلر اونک مکالمه سیدر و بو پاره شیمه حین مکالمده این دیزنه چرپر ویا آغلیو ویا کلر و بو پاره یزده وضع مجلس بیان اولئر بو نوع کیفیت لریک تکلمه دخلی یوخدر کوری بولار مکالمه طوزنده اوخونیا و بو دخی منم تشیلاتی سیاق قدیم و متعارف اوزره اوخوماق جایز دکل ککرک دانشوق طوزنده اوخونا

IV

تعجب برنده متعجب اول سوال برنده سایل خوب برنده خایف اول
 حیرت برنده حابر سکوت برنده ساکت اول صحت برنده صاحت
 بکا برنده باکی اول غیظ برنده غایظ شقت برنده شفق اول هیبت
 برنده مهیب استهزا برنده مستهزی اول چغرماق برنده چغرا هسته
 مکالدنی آهسته اوخر توجه مکالدسنده توجه ماننده سویله وارمنی
 دانشورنده ارمنی تلفظنی ملا حظدا یله قالان زاد موقوفدر سنک اوز قابلیتصکا

میرزا فتحعلی آخونزاد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله رب العالمين والصلوة على خير المرسلين
 تصنيف قاپوتان ميرزا فتحعلی آخوندزاده فی سنه ۱۲۵۷

حکایت ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر

تثبیل فضیله واقعه که کیفیت دورت مجلسده بیان اولوب اتمامه بتر

افراد اهل مجالس

ملا ابراهیم خلیل کیمیاگلدکلو

ملا حمید اونک شاکردی ساموقلو

درویش عباس اونک نوکوی ابرانلو

حاجی کریم زرکر نخلولو

آقا زمان حکیم نخلولو

ملا سلمان مرحوم ملا جلیل عالمک اوغلی نخلولو مرطوب و قوی میکمل

شهدی جبار ناچر نخلولو

صفر بک ماکددار نخلولو

شیخ صلاح خاچمزولو

حاجی نوری شاعر نخلولو

بنیاد علم و ادب
 بنیاد علم و ادب



بنوآب اشرف ارفع فریاد میرزا
 از مصنف کتاب میرزا صفح
 آخونزاده ہدیہ است

از «تمثیلات» چاپ تازه‌ای منتشر می‌کند، این نمونه‌ها را در آن چاپ بیاورد.

۲

یکی از نمایشنامه‌های مشهور مولیر به نام «میزانثروپ» را میرزا حبیب اصفهانی متخلص به دستان (مترجم قابل حاجی بابای اصفهانی) به فارسی ترجمه می‌کند و بدون اینکه نام خود را بر آن بنویسد آن را در سال ۱۲۸۶ قمری در استانبول در مطبعه «تصویر افکار» به قطع جیبی در ۱۲۵ صفحه به چاپ می‌رساند. نام این ترجمه و کتاب در «فهرست کتابهای چاپی فارسی» تألیف مرحوم خانباها مشار نیست* . چون ممکن است محققان تاریخ نمایشنامه نویسی فارسی دسترسی به این نسخه نداشته باشند عکس صفحات اول و آخر آن در اینجا به چاپ می‌رسد و به همین مناسبت باید از دوست دانشمند آقای دکتر صادق عدنان ارزی استاد دانشگاه انقره سپاسگزاری کنم که سالها پیش عکس‌های مذکور را به من لطف کرده است.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* البته نام «مردم‌گریز» ترجمه محمود هدایت (تهران، ۱۳۳۸) که ترجمه‌ای از همان نمایشنامه است و مترجم قطعاً همان نام مختار میرزا حبیب را بر روی کار خود گذارده، در آن آمده است.

برای تفصیل و مطابقت رجوع شود به کتاب با ارزش «ادبیات نمایشی در ایران» نوشته جمشیدملک‌پور (تهران، ۱۳۶۳)، جلد اول، ص ۳۱۷-۳۳۷. ازین نمایشنامه در کتاب «از صبا تا نیمه»، و مراجع دیگر هم یاد شده است که آقای ملک‌پور از آنها یاد می‌کند. عکس صفحه اول و دوم آن هم در کتاب مزبور هست.

پيغام

گذارش مردم گريز

اشخاص

عاشق فتنه	مولن
دوست مونس	ناصر
شاعر و عاشق فتنه	اسیدی
	فتنه
دختر عم فتنه	ایلا
دوست فتنه	ریخا
	نعیم بک
دو بک از اهل درخانه	نعمان بک
	محم
خدمتکار فتنه	شاه براق
خدمتکار مونس	
یک نفر فراس رئیس دیوان	
مجلس درخانه فتنه	

پرده اول

- مجلس اول: ناصح . مونس .
- ناصح چه روی داده ؟ چه داری دگر ؟
 مونس (نشسته) توهم بگذار.
- ناصح بگو برای خدا این چه خوی ناموار
 مونس بول بدو رو از پیش چشم من شوکم .
- ناصح دهند باری بیخشم ککوش بر مردم .
 مونس نمی دهم بکسی کوشی کنم هم خشم .
- ناصح چه کشته موجب خشمی که خیره سازد چشم ؟
 اگر چه دوست بهم آخراو این من کش
 مونس من و تو دوست هم ؟ دور او قلم در کش .
- (بندی) بدوستی تو تا حال کرد می اقرار
 از جابر) و ز آنچه مرزده از تو کنم زینخ انکار .
 میخیزد) با آشکار بگویم که آن نسیم دیگر
 مراد کس بدل تیره نیست جا و مقرر .
 مونس مگر بزعم تو مونس کنسهاکارم من ؟

• بول مرا بومان چشم بیفت دیدار
 بول دلم که بصد گونه عم شده دمساز
 • ز فخر دام وفایت بخود بنالد باز
 چه ناسزا بدهام دایم این زمان که خدا
 • نپا فریده بدین عقد بهره مند مرا
 ز آب و خاک فتنه نبود چون کل تر
 مرا سزا نبود پس مقلم در دل تو
 که عاقبت

تو بدنیال فکر خود میباش
 • که در قبول دلم نیست هیچکس بتلاش
 رفیقت اینک بهر قبول این منت
 • که تا اشاره کنم حاضر است بی زحمت
 زهی سعادت من خاتم اه! در آخر حال
 • فدا شود تن و جان و دلم بدین اقبال
 همیشه کاش بهبش فرزون و انده کم
 • خورید بهره یک از یک بخاطر خرم
 جفسار سسیده زهر سو نخیده از پیداد
 • جهم ازین کنهستان هر آنچه بادا باد
 بی رعایت ناموس چاره جز این نیست

لیلا

ناصر

مونس

- که رفت باید از اینجا و در میان زیست
- بگوش خانم کوشیم تا که بنواجم
- مگر که رای وی از بن ۴-ل بگردانیم

تصحیح

انجمن سرگذشت مردم کریر

تصویر افکار مطبوعه سنده طبع اولتشد در

فی ۲۵ ربیع الاول سنه ۱۲۸۶

پرتال جامع علوم انسانی